بیان فرموده تا پیروان قرآن خودشان را بسنجند با آن دو گروه ببینند کدام صفات را دارا هستند و داخل در کدام گروه هستند.بطور کلی قرآن روی دو دسته از مردم تکیه دارد و صفات زشت یا زیبای اونها را بیان می‌کند یک دسته دستۀ متفکرینند عاقلند خردمندند می‌خواهند بفهمند دنیا را عالم را بشناسند خودشان را بشناسند مبدأ و معاد را تشخیص دهند اینها فرمود یَتَفَکَّرُونَ فِی خَلقِ السَّمَاوَاتِ وَ الأرضِ رَبَّنَا مَا خَلَقتَ هَذَا بَاطِلاً سُبْحَانَکَ[[1]](#footnote-1) مردمی هستند که علی الدوام در حال اندیشه اند انسانند فصل ممیز انسان عقل است امتیازش از سایر موجودات عقله.عقل را به کار می‌افکند انسان که همش شهوت نیست اون که حیوانات دارن بهتر از ما هم دارن انسان عقل دارد عقل خود را به کار می‌افکند تفکر می‌کند یَتَفَکَّرُونَ فِی خَلقِ السَّمَاوَاتِ وَ الأرضِ رَبَّنَا علی الدوام میگه خدایا این نظام حیرت انگیز باطل نیست مَا خَلَقتَ هَذَا بَاطِلاً سُبْحَانَکَ تو منزهی از اینکه کار لغو کنی کار بی اساس کنی این مبدئی دارد عالم منتهایی دارد خدایا ما را از عالم بد آینده حفظ کن اینها را میگن و اینها کسانی هستند که لِقَومٍ یَعقِلون عقل خود را به کار می‌افکنند اما قلیل اند اینها اندک اند وَ قَلِیلٌ مِن عِبَادِیَ الشَّکُورُ [[2]](#footnote-2) در میان بندگان من اینها بسیار اندک اند کم هستند اکثریت نقطۀ مقابل اینها هستند اندک اند مردمی که نعمت شناسند منعم شناسند می‌فهمند ارزش نعمت را می‌شناسند عظمت منعم را می‌شناسند شاکرند انسانند مقابل منعم سپاسگزارند از هر که احسان ببینند تشکر می‌کنند انسانند نقطۀ مقابل اینها بَلْ اکثَرُهُم لَا یَعقِلُون اکثر مردم هم لا یعقلند نمی‌فهمند مقهور شهوات خودشانند مثل حیوانات أَم تَحسَبُ أَنَّ أکثَرَهُم یَسمَعُونَ أَوْ یَعقِلُونَ[[3]](#footnote-3) تو خیال می‌کنی که اکثر مردم که با دو پا راه می‌روند نفس می‌کشند اینها عقل دارند اینها شنوایی دارند؟خیال می‌کنی أَم تَحسَبُ أَنَّ أکثَرَهُم یَسمَعُونَ أَوْ یَعقِلُونَ تو خیال می‌کنی که اکثر این مردم گوش شنوا دارند؟گوشِ حیوانات هم دارند گوشِ انسان ندارند یا عقل دارند یَسمَعُونَ أَوْ یَعقِلُونَ إنْ هُم إلَّا کَالأنعَامِ بَل هُم أَضَلُّ سَبِیلاً [[4]](#footnote-4) خالق میگه اینها چهار پایانی همچون چهار پایانی هستند بلکه گمراه تر از اونها. چهار پا به غریزه عمل می‌کند خلاف نمی‌رود به همون غریزه ای که خدا بهش داده عمل می‌کند این حیوان سر دو پا راه می‌رود این گمراه تر از اون است. یَعلَمُونَ ظَاهِراً مِنَ الحَیَاةِ الدُّنیَا وَ هُم عَنِ الآخِرَةِ هُم غَافِلُونَ [[5]](#footnote-5) این آیه ظاهری از دنیا می‌فهمند یه ظاهری از این دنیا زمینی زیر پایشان آسمانی بالای سرشان یه هوایی و آبی و بخورند و بیاشامند و بخوابند و همین ها یه ظاهری از دنیا می‌فهمند وَ هُم عَنِ الآخِرَةِ هُم غَافِلُونَ نسبت به آخرت پایان این کار غافلند حساب نمی‌کنند آخه که چی؟این سفره را کی پهن کرده؟صاحبش کیه؟برای چی پهن کرده به کجا میخواد ببره؟توجه نمی‌کند یَعلَمُونَ ظَاهِراً مِنَ الحَیَاةِ الدُّنیَا وَ هُم عَنِ الآخِرَةِ هُم غَافِلُونَ دو بار هُم تکرار شده اینها بله همین ها هستند اینها غافلند نمی‌فهمند فَأَعرِض أَمَّن تَوَلَّی عَن ذِکرِنَا [[6]](#footnote-6) حالا پیغمبر ما تو خیلی پابند اینها نباش غصه هم نخور که راه نمیان ولشان کن فَأَعرِض أَمَّن تَوَلَّی عَن ذِکرِنَا مردمی که ما را فراموش کردن بیاد ما نیستند خب ولشان کن تو نمی‌توانی مردمی که نمی‌خواهند به راه بیان به راه بیاوری بنا نیست کارش خارق العاده باشه که انسان خلق شده عقل دارد و اختیار داره می‌تواند با ما رابطه برقرار کنه نمیکنه اعراض کن فَأَعرِض أَمَّن تَوَلَّی عَن ذِکرِنَا وَ لَم یُرِد إلَّا الحَیَاةِ الدُّنیَا [[7]](#footnote-7)1 هیچ چیزی جز دنیا نمی‌فهمند ذَلِکَ مَبلَغُهُم مِنَ العِلْمِ[[8]](#footnote-8)2 نهایتشان همینه خیلی دانشمند هم بشوند دانشمندان هم هرچند دانشمندند متفکرند مو را از ماست بیرون می‌کشند به زمین و آسمان اما همین ها با خدای عالم مرتبط نیستند مخلوق را فقط توش می‌چرخند مخلوق را فقط تجزیه و تحلیل می‌کنند جمادی و نباتی و حیوانی و حیوان شناس و آسمان شناس و مریخ کجا و زهره کجاست اینها پوسته عالمه با مغز عالم در ارتباط نیستند ذَلِکَ مَبلَغُهُم مِنَ العِلْمِ نهایت درجۀ علمشان همینه بیش از این نمی‌فهمند ما در دعاها داریم که گفتند اللهُمَّ وَ لا تَجعَلِ الدُّنیا أَکبَرَ هَمِّنَا وَ لَا مَبلَغَ عِلمِنَا [[9]](#footnote-9)3 خدایا جوری نباشه که همۀ قصد ما دنیا باشد و مبلغ علم همان باشد نهایت درجۀ علم ما دانش ما همین دنیا باشد این جمادات و نباتات و حیوانات را ماه و خورشید و اینها که پوست عالمند با مغز عالم در ارتباط نیستند اولو الالباب نیستند لُب ندارند با لُب عالم در ارتباط نیستند اینها را فرموده حالا این دعایی که می‌خوانیم درست نقطۀ مقابل اولی الألباب است می‌فرماید که راجع به اونها فرمود یُوفُونَ بِعَهدِ اللهِ [[10]](#footnote-10)4اینها مردمی هستند که عهد خدا را شناخته اند عهد عبودیت و بندگی هم در فطرت هم در عقل هم در شرع فهمیده اند وفا به عهد می‌کنند لَا یَنقُضُونَ المِیثَاقَ [[11]](#footnote-11)5 هیچوقت پیمان را نمی‌شکنند این گروه دوم الَّذِینَ یَنقُضُونَ عَهدَ اللهِ مِن بَعدِ مِیثَاقِهِ [[12]](#footnote-12)6 اینها می‌شکنند پیمان شکنند با اینکه انسانند فطرت دارند وجدان دارند عقل دارند بس که مقهور شهواتند پا روی اون فطرتشان عقلشان می‌گذارند پیمانی که با خدا بسته اند من مخلوقم با خالقم پیمان بسته ام در فطرتم در وجدانم در عقلم در شرعم اینها را زیر پا می‌گذارم الَّذِینَ یَنقُضُونَ عَهدَ اللهِ مِن بَعدِ مِیثَاقِهِ میثاق یعنی محکم کردن بعد از اینکه محکم کرده اند در فطرت و وجدان عقل نقض می‌کند نقظۀ مقابل اونه وَ یَقطَعُونَ مَا أَمَرَ اللهُ بِهِ أَن یُوصَلَ [[13]](#footnote-13) اونها همیشه پیوندهای لازم را حفظ می‌کردند اولی الالباب پیوند با خالق پیوند با پیغمبرشان پیوند با امامشان پیوند با ارحامشان با یکدیگر خب می‌فهمیدند که اجتماعی زندگی می‌کنند باید با هم در ارتباط باشند باید محبت داشته باشند این قطع میکنه اینها هم پیمان با خدا را قطع می‌کنند و هم با اون ارحامشان و کسانی که باید مرتبط باشند قطع می‌کنند وَ یَقطَعُونَ مَا أَمَرَ اللهُ بِهِ أَن یُوصَلَ وَ یُفسِدُونَ فِی الأرضِ اینها افساد می‌کنند در زمین مردمی که با خدا در ارتباط نیستند با ارحامشان نیستند قهرا فاسد خواهند بود یه انسان در خانواده فاسد میشه چون با خدا رابطه نداره با ارحامشان رابطه نداره حق کسی را اصلا قبول نمی‌کند یعنی فاسد خانواده را فاسد می‌کند خب خانواده فاسد شد سرایت می‌کند یک ملت فاسد میشه ملت که فاسد شد از این ملت به اون ملت دنیا فاسد میشه وَ یُفسِدُونَ فِی الأرضِ اینها اصلا زمین را فاسد می‌کنند حالا دنیای ما همینه دیگه دنیای ما فساد عالم گیره جهان گیره همه جا فساده از همه جا فساد می‌جوشه یَنقُضُونَ بِعَهدِ اللهِ نمیخوان با خالقشان در ارتباط باشند نمیخوان افرادی که حق بهشان دارند رعایت حق کنند خب مفسدند یُفسِدُونَ فِی الأرضِ أُولَئِکَ لَهُمُ اللَعْنَةُ[[14]](#footnote-14)1 اینها ملعونند لعنت می‌کند وَ لَهُم سُوءُ الدَّارِ فعلا ملعونند در عالم آخرت هم بدبختی ابدی دارند لعنت فرموده گاهی مخالفین مذهب ما به ما شیعه اعتراض می‌کنند که شما بعضی اصحاب پیغمبر را دشنام میدید.میگیم ما دشنام نمیدیم دشنام کار ما نیست دشنام بده فحش دادن بده زبان یک مسلمان مؤمن اشرفه از این که با دشنام رابطه داشته باشه ما دشنام نمیدیم خود قرآن نهی کرده دشنام را لَا تَسُبُّونَ الَّذِینَ مِن دُونِ الله [[15]](#footnote-15)2 شما حق ندارید که بت ها را فحش بدید بتهایی که معبود مشرکینند فحششان ندید فحش دادن زشته قرآن میگه لَا تَسُبُّونَ الَّذِینَ مِن دُونِ الله مردمی که بت پرستند بتشان را فحش ندید حضرت امیر علیه السلام در جنگ صفین که لشکریانش لشکریان معاویه را دشنام می‌دادند خب اونها هم دوست ندارند إنِّی أکرَهُ لَکُم أن تَکُونُوا سَبّابِینَ [[16]](#footnote-16)3 من خوش ندارم که سباب باشید دشنام ده باشید دشنام ندهید انحرافاتشان را بیان کنید اخلاقا منحرفند اعمالا منحرفند بیان کنید ما هم دشنام نمیدیم به تبعیت از قرآنمان و تابع اماممان دشنام نمیدیم لعنت می‌کنیم لعنت غیر دشنامه لعنت دشنام نیست خود قرآن لعنت میکنه روش قرآن لعنته مکررا داره لعنت میکنه ألَا لَعنَةُ الله عَلَی القَومِ الظَّالِمِینَ [[17]](#footnote-17)4 مگه نیست فراوانه لعنت خلاف عقل نیست خلاف عرف هم نیست لعنت هم عقلی ست هم شرعی هم قرآنیه هر انسانی از ظالم انزجار دارد لعنت یعنی طرد از رحمت دشنام نیست طرد از رحمت دور باش پیش من نیا این لعنته دشنام نیست دور باش به من نزدیک نشو منزجرم متنفرم خب این عقلیه هر انسان عاقلی از کسی که ظالم است متعدی به حقوق است نفرت می‌کند عقل اینجور اقتضا می‌کند تبری و تولی در همینه در دین ما تولی با کسانی که دوستان خدا هستند دوست هستیم تن به ولایتشان می‌دهیم اونهایی که دشمن حقند تبری می‌کنیم بیزاری می‌جوییم فحش نمیدیم دشنام نمیدیم شأن ما نیست شأن قرآن نیست شأن شیعه نیست لعنته طرده از خود دور کردن از رحمت محروم کردن خدا ظالمان را محروم از رحمت می‌کند طردشان می‌کند طرد می‌کند ما ظالمان را از تاریخ بدست آوردیم اصحاب النَّبی بعضی از اونها ظالم بودند و ظلمشان را از تاریخ قطعی بدست میاریم ظلم قطعی نشان داده که اینها ظالم بودند ظالم بودن را از تاریخ قطعی بدست می‌آوریم و لعنت را از قرآن بدست می‌آوریم لعنت قرآنیه و ظالم بودن فلان آدم یا فلان گروه تاریخیه تاریخ قطعی که هیچ خدشه ای درش وارد نیست تاریخ قطعی به ما نشان داده که ظالم بوده اند و قرآن هم گفته که بر ظالمان لعنت کنید یَلعَنهُم الله وَ یَلعَنُهُمُ اللاعِنُونَ[[18]](#footnote-18)5 خدا لعنت می‌کند مردمی که باید لعنت کند پس شیعه دشنام نمیده لعنت می‌کند کسانی را که به حکم تاریخ قطعی که هیچ شبهه درش نیست ظالم بوده اند از حق تجاوز کرده اند حق را زیر پا نهاده اند عهد خدا را شکسته اند یَنقُضُونَ عَهدَ اللهِ مِن بَعدِ مِیثَاقِهِ اون رَحِمی که لازم بود رَحِم پیغمبر و آل پیغمبر که لازم بود حفظ بشه قطع کرده اند خب قرآن میگه لَهُمُ اللَعْنَةُ میگه کسانی که عهد خدا را شکسته اند اون کسانی که رَحمِی که گفته بود محفوظ نکرده اند ملعونند أُولَئِکَ لَهُمُ اللَعْنَةُ وَ لَهُم سُوءُ الدَّارِ پس این یک مطلب دنبال همون آیاتی که خوانده بودیم.بعد از جمله معارف اولو الألباب این که روزی را منحصرا به تنظیم خدا می‌دانند روزی که دست ما هر کسی روزیش کمه یا زیاده این تنظیم شدۀ از خداست اللهُ یَبسُطُ الرِّزقَ لِمَن یَشَاءُ مِن عِبَادِهِ وَ یَقدِرُ[[19]](#footnote-19)1 خداست که روزی ها را تقسیم می‌کند بعضی را گسترش میده به بعضی تنگ می‌گیره تنگ گرفتن و گسترش دادن کار خداست به کسی مربوط نیست اللهُ یَبسُطُ الرِّزقَ لِمَن یَشَاءُ مِن عِبَادِهِ وَ یَقدِرُ خداست که روزی ها را تقسیم می‌کند بسط می‌کند برای بعضی ها گسترش میده برای بعضی تنگ میگیره نَحنُ قَسَمنَا بَینَهُم مَعِیشَتَهُم فِی الحَیَاةِ الدُّنیَا [[20]](#footnote-20)2 خود تقسیم کرده اید تقسیم مال ماست همون صحبت زندگی در این آیات که می‌رسیم مربوط به رزق و مربوط به توکل بعضی افراد که منطق قرآن را درک نمی‌کنند زبان به انتقاد یا اشکال باز می‌کنند یکی توکل مَن یَتَوَکَّل عَلَی اللهِ فَهُوَ حَسبُهُ [[21]](#footnote-21)3 کسی توکل به خدا کند کافیشه.خدا کافیه برای او اگر بنا شد توکل کنیم یه عده می‌‎گویند یه گوشه بنشینیم دیگه بعضی خیال می‌کنند که قرآن دعوت به گوشه گیری کرده توکل به خدا کنید به خدا واگذار کنید یعنی گوشه بنشینید دیگه کاری نمیخواد بکنید فعالیت تعطیل یا نَحنُ قَسَمنَا بَینَهُم مَعِیشَتَهُم فِی الحَیَاةِ الدُّنیَا ما تقسیم کرده ایم خب تقسیم کرده دیگه به هر کدام برسه که من چکار کنم کاری که مقدر کرده به او میده نکرده نمیده دیگه من چرا دنبال کار بروم؟اینجور خیال می‌کنند توکل را منافی با فعالیت می‌دانند تقسیم ارزاق را منافی با فعالیت می‌دانند خب این اشتباه بزرگیه اینجور نیست خیال می‌کنند که این عالم از وسائل و اسباب از خدا جداست و خدا جدای از این عالمه وقتی میگه به خدا توکل کنید یعنی به اسباب کاری نداشته باشید دنبال وسائل نروید دیگه دیگه بیلی کلنگی نمیخواد زمین را بشکافید دانه را بکارید دیگه نمیخواد یه گوشه بنشین خدا می‌رساند درست نیست ما میگیم عالم درسته همۀ اسباب و وسایل باید دنبال کار رفت اما در عین حال باید بداند که هیچ موجودی از خود چیزی ندارد تا خالقش به او ندهد خاصیت اثر گذاری ندارد در عین حال که دنبال کار می‌رود باید هم برود اگر نرود در دین ملعون است همون آدم متوجه باشه اگر او نخواهد نه ارادۀ خودش موثره نه کاری که می‌کند موثره أَفَرَأَیتُم مَا تَحرُثُونَ[[22]](#footnote-22)4 اینی که شما کشت می‌کنید زمین را می‌شکافید دانه می‌پاشید آبیاری می‌کنید شما خودتان می‌رویانید یا ما می‌رویانیم؟رویاندن مال کیه؟زرع مال کیه؟هرس مال شماست هرس یعنی کشاورزی می‌کنید و دانه می‌پاشید اما زارع کیه؟رویاننده کیه؟ أَفَرَأَیتُم مَا تَحرُثُونَ\* أَأَنتُم تَزرَعُونَهُ أَم نَحنُ الزَّارِعُونَ [[23]](#footnote-23)5 رویانندۀ اونها در دل خاک کیه؟اگر شما زمین رو شکافتید و آبیاری کردید و بذر هم افشاندید ولی خدا نخواست که آن دانه را در دل خاک برویاند چه می‌کنید؟ أَفَرَأَیتُم مَا تَحرُثُونَ\* أَأَنتُم تَزرَعُونَهُ أَم نَحنُ الزَّارِعُونَ\* لَو نَشَاءُ لَجَعَلنَاهُ حُطَاماً[[24]](#footnote-24)1 اگر بخواهیم آن را می‌پوسانیم دانه را می‌پوسانیم این آب که می‌بینید أَفَرَأَیتُمُ المَاءَ الَّذِی تَشرَبُونَ [[25]](#footnote-25)2 این آبی که می‌خورید می‌دانید آیا شما از آسمان نازل کردید یا ما نازل کردیم؟ أَأَنتُم أَنزَلتُمُوهُ مِنَ المُزنِ أَم نَحنُ المُنزِلُونَ\* لَو نَشَاءُ جَعَلنَاهُ أُجَاجاً [[26]](#footnote-26)3 اگر بخواهیم تلخش می‌کنیم شما چه می‌کنید؟نه آسمان مال شماست نه زمین مال شماست اگر از آسمان باران نیامد از زمین هم آب نجوشید شما چه می‌کنید؟ قُل أَرَأَیتُم إِن أَصبَحَ مَاؤُکُم غَوراً [[27]](#footnote-27)4 اگر آب شما در زمین فرو برود که می‌تواند بیاورد آب به این گوارایی را؟ما میگیم شما کار بکنید در عین حال کار را مستقل ندانید نه ارادۀ خودتان نه کار را مستقل بدانید اون ماوراء طبیعت اراده ای که هست او اگر بخواهد همۀ اینها موثر خواهد بود نتیجه بخش خواهد بود اگر نخواهد موثر نخواهد بود توکل معناش اینه دنبال کار بروید در عین حال ارادۀ او را موثر بدانید او نخواهد هیچ موجودی اثر بخش نخواهد بود شما مریض شدید دنبال طبیب بروید بدانید اگر او نخواهد نه طبیب خوب می‌فهمد نه دارو اثر می‌گذارد ممکنه طبیب اشتباه کند در تشخیص مرض.اونی که جلوی اشتباهشو میگیره اون کیه؟خب اوست.اونی که به دارو اثر بخشیده کیه ممکنه دارو بخرید اثر بخش نباشه.پس شما کار بکنید در عین حال بدانید اون کسی که عالم را اداره می‌کند أَأَمِنتُم مَن فِی السَّمَاءِ أَن یَخسِفَ بِکُمُ الأرضَ[[28]](#footnote-28)5 اون کسی که در عالم احاطۀ بر عالم دارد اگر زمین را شما را در خود فرو ببرد چه می ‌کنید شما؟ مَن فِی السَّمَاءِ مسلط بر عالمه.پس میگیم توکل معناش این نیست که کنار بنشینید نه کار بکنید و در عین حال خود کار را موثر مستقل ندانید این اسباب مسبب الاسباب دارد او را فراموش نکنید.این مسئله توکل و تقسیم ارزاق هم به همین کیفیت.روزی ها تقسیم شده شما دنبال کار بروید نمیدانید که چه مقدار گیرتان میاد هر چه آمد او مقدر کرده راضی بشید به همان تقدیر او.او تقسیم کرده منتهی از این راه دنبال کرده که من تقسیم کردم اونچه که مصلحت شما باشد به شما می‌رسانم.پس مصلحت به دست اوست حکمت دست اوست ولذا همون کسی که دستور می‌دهد دنبال علم بروید همون کس دستور داده دنبال کار بروید.عجیبه طَلَبُ العِلمِ فَرِیضَةٌ عَلَی کُلِّ مُسلِم [[29]](#footnote-29)6 طَلَبُ الحَلالِ فَریضةٌ[[30]](#footnote-30)7 این هر دو هست گفتند هم طلب علم واجبه هم طلب حلال.دنبال کار رفتن واجبه بر مسلمان ملعونه اون کسی که مَن ألقی کَلَّهُ عَلَی النّاس [[31]](#footnote-31)8 اون کسی که دنبال کار نرود و بار زندگی خود را بر دوش مردم بیافکند این ملعونه ملاحظه می‌کنید که در دین ما هر دو مورد ترغیبه و هم فرموده که العِبادَةَ عَشرَةُ أجزاءٍ تِسعَةٌ منها طَلَبُ الحَلالِ[[32]](#footnote-32)9 بندگی که می‌خواهید بکنید همش نماز خواندن نیست بلکه نُه قسمت از بندگی در طلب حلال است دنبال کار رفتن و معیشت تأمین کردن

 إِذَا صَلَّیتُمُ الصُّبح[[33]](#footnote-33)1 نماز صبح که خواندی فَبَکِّرُوا فِی طَلَبِ الرِّزق اول صبح دنبال روزی برو خدای اسلام دعوت به گوشه نشینی می‌کند در عین حال که توکل می‌کند توکل داشته باشی در عین حال که تقسیم ارزاق دارد میگه باید اول صبح بعد از نماز دنبال کار بروی إنِّی لَأُبغِضُ الرَّجُل أَو أُبغِضُ لِلرَّجُلِ أَن یَکُونَ کَسْلاناً[[34]](#footnote-34)2 من دشمن دارم اون بنده ای که تنبل باشد بندۀ تنبل که دنبال کار نرود من دشمن دارم اون کسی که راجع به دنیاش تنبله تا آخر هم تنبل خواهد بود تنبل دنیا تنبل آخرت هم خواهد بود دیگه دین قبول ندارد انسان تنبل را چه در دنیا چه در آخرت فرقی نداره إنَّ اللهَ جَلَّ وَ عَزَّ یُبغِضُ العَبدَ النَّوَّام [[35]](#footnote-35)3 خداوند بندۀ پر خواب را دشمن دارد.هم پر خواب هم بیکار هر دوشان.بندۀ بیکار مبغوض خداست بندۀ پر خواب هم مغضوب خداست.این سه کار را بکنید همیشه هم کم بخورید هم کم بخوابید هم کم حرف بزنید خدا دوست ندارد انسان پر خواب و انسان بیکار.من دشمن دارم مردی که دهان باز کرده هی به خدا به من روزی برسان.دنبال کار نمیره به خدا میگه به من روزی برسان.دشمن داره او را دهان باز کرده به سوی خدا رَبِّ ارزقنی وَ لا یَطلُبُ الرزق[[36]](#footnote-36)4 فرمود که این مورچه از لانه اش بیرون میاد دنبال روزی می‌رود شما که از مورچه که بدتر نیستید که با اینکه خودش میگه وَ مَا مِن دَابَّةٍ فِی الأرضِ إلَّا عَلَی اللهِ رِزقُهَا [[37]](#footnote-37)5 گفته هر جنبنده روزی اش بعهدۀ منه همون مورچه ای که جنبنده است بعدۀ خداست باید از خانه بیرون برود دنبال کار بیفته پس در دین ما در عین حال که توکل دستور می‌دهد در عین حال که تقسیم ارزاق را نشان می‌دهد در عین حال دنبال کار رفتن را فریضه و واجب هر مسلمانی می‌داند در تاجر فرمود که رِجَالٌ لَا تُلهِیهِم تِجَارَةٌ وَ لَا بَیعٌ عَن ذِکرِ اللهِ[[38]](#footnote-38)6 نگفته که تاجر تجارت نمی‌کنند نه فرمود تجارت می‌کنند ولی تجارتش مانع از ذکر خدا نیست مانع از یاد خدا نیست موقعی که کارش اذان که گفته شد دنبال نمازش میره تاجر هست محبوب خداست ولی موقع نماز که شد میبنده دنبال نمازش میره لَا تُلهِیهِم تِجَارَةٌ وَ لَا بَیعٌ عَن ذِکرِ اللهِ از یاد خدا غافلشان نمیکنه یه روایتی داریم از امام کاظم علیه السلامه به هشام موعظه دارند می‌فرمایند که إنَّ العُقَلاءَ زَهِدُوا فِی الدُّنیا وَ رَغِبُوا فِی الآخِرَةِ[[39]](#footnote-39)7 عاقل ها اینجور هستند چون فکر کردند دیدند که هم دنیا با مشقت بدست میاد هم آخرت هر دو مشکله دیگه دنیا طلبی هم مشکله زحمت داره آخرت هم مشکله اگر بخواهیم زحمت بکشیم برای آخرت زحمت می‌کشیم چرا؟ من که باید سختی بکشم مشقت دارم و هر دو هم دارای مشقته چرا آخرت را ترجیه ندهم؟ترجیه آخرت قرار میدم که دنیا در مسیر قرار میگیره دنیا در مسیر آخرت مورد ترغیب دین ماست.در دنیا زاهدن در آخرت راغبند چون دانسته اند که أَنَّ الدُّنیا طَالِبَةٌ وَ مَطلُوبَةٌ دنیا هم طالب انسان است هم مطلوب انسانه آخرت هم همینجوره. بعد فرمود که اگر کسی دنبال آخرتش برود ترجیه بدهد و دنیا در مسیرش بیفته هم به بهرۀ دنیا رسیده هم به بهرۀ آخرت رسیده.چون خدا برای انسان اجل مقدر معین کرده عمر معین چقدر مقدر کرده و هم رزق مقدر داره باید رزق مقدر باشه که انسان زنده بماند دیگه چون عمر مقدره رزق هم مقدره که انسان برسه به این عمرش روزی بخورد به این زندگی برسد از آن طرف آخرت هم همینجوره طَالِبَةٌ وَ مَطلُوبَةٌ آخرت هم مرگ را دنبال آدم می‌آورد دیگه اونهم دنبال آدم میاد مرگ میاد که آدم از این مقدار بیشتر زنده نماند.بنابراین اگر کسی دنیا را اصل قرار بده دنبال آخرت میخواد برود البته آخرت طلبی بی دنیا نمیشه چون دنیا گذرگاه است نباشه که آخرت نمیرسه انسان مسلمان دنیا و آخرت میخواد دنیا را به قدر پل بودن آیاد میکنه مردم دنیا را پل حساب نکردن اقامتگاه حساب کردند برج ها می‌سازند مثل اینکه چندین سال باید بمانند پل نیست برای اونها دنیا اقامتگاهه در حالی که واقعیتش پله انسان مسلمان آخرت را مطلوب اصلی قرار میده دنیا هم تبعا دنبالش میره و بقدر پل بودن دنیا بدون ملاحظه میاد برای اینکه روزی مقدر داره باید برسه بهشان دیگه ولذا انسانی که آخرت طلب است دنیا را هم در مسیر آخرت قرار داده دم مردن هم به دنیا رسیده هم به آخرت رسیده اما انسانی که دنیا را اصل قرار بده دنیا اصله هر چه قوه داره پای دنیا میریزه خب این مسلم دم مردن نمیرسه به آرزوهاش همه ناکام مرده اند. همۀ سلاطین به اونچه میخواستند نرسیدند کسی که دنیا را طالب بوده دنبال آرزوهای حاصل نشده رفته دم مردن به آرزوها نرسیده آخرت هم تأمین نشده خَسِر الدُّنیا و الآخِرة شده ولی انسان مسلمان اینجور نیست آخرت را اصل قرار میده دنیا را هم تبعا دنبالش می‌رود بقدر پل بودن دم مردن هم به دنیا رسیده هم به آخرت رسیده دیگه عاقلانه نیست؟عقلایی همینه ولذا زَهِدُوا فِی الدُّنیا وَ رَغِبُوا فِی الآخِرَةِ به همین جهت مولا می‌فرمود که مردم بدانید اِعلَمُوا اَنَّ المُتَّقینَ ذَهَبُوا بِعاجِل الدُّنیا و آجِلِ الآخِرَةِ [[40]](#footnote-40)1 متقیان پرهیزکاران هم رسیدن به دنیای نقد اینه هم به آخرت نسیه اینه به هر دو رسیده اند آخرت طلبان که بالاخره زندگی دارند ذَهَبُوا بِعاجِل الدُّنیا و آجِلِ الآخِرَةِ هم دنیای نقدی را بدست آوردند هم آخرتی که نسیه است و بعد خواهد آمد پس اینها هم دنیا را نقد کرده اند و هم آخرت را بدست آورده اند خدا رزق را بسط می‌دهد و یا زیغ می‌دهد برای همین می‌فرمود که ای بندگان من تَفَرَّغ لِعِبَادَتی[[41]](#footnote-41)2 ای آدمیزاد با من رفیق باش و فارق کن خودتو برای من مطمئن باش من سیرت می‌کنم تَفَرَّغ لِعِبَادَتی أَملَأ قَلبَکَ غِنیً اگر برای من بندۀ خوب باشی من قلبت را پر می‌کنم از غنا و بی نیازی روحا بی نیازت می‌کنم.بی نیازی روحی خیلی نعمت بزرگیه خیلی پولداریه کسی پولدار هست ثروت سرشار داره اما روحا گداست روحا متملقه پولدار هست پیش از خود پولدار تر که برسه چاپلوسی می‌کند از ترس یک روز گدایی یک عمر گدایی می‌کند این غنا ندارد این توانگر روحی نیست بعضی هستند پولدار ندارند ولی روحا منیع الطبعند یَحْسَبُهُمُ الجَاهِلُ أَغنِیَاءَ مِنَ التَّعَفُّفِ [[42]](#footnote-42)3 به قدری عفیفند با این که بی خبر هستند ولی اینها را اغنیاء می‌دانند توانگر می‌دانند با اینکه توانگر نیستند بی پولند ولی در عین حال روحا غنی هستند فرمود که با من باش تَفَرَّغ لِعِبَادَتی أَملَأ قَلبَکَ غِنیً بی نیازت می‌کنم آدمی که در روز چندین بار از صمد میگه اللهُ الصَّمَد میگه خدا را غنی مطلق میدانه با چه ملاکی دنبال غیر خدا می‌رود؟ با اینکه هر روز چند بار می‌گوییم اِیَّاکَ نَعبُدُ و اِیَّاکَ نَستَعِینَ فقط تو را عبادت می‌کنم فقط از تو استعانت می‌جویم تو را صمد می‌دانم در عین حال دنبال دیگران که غیر صمدند دنبالشان می‌روم.صمد اون موجودی است که جوف ندارد توو خالی نیست نیاز به کسی نداره اون صمده بقیه در عالم همه توو خالیند هیچ موجود توو پر نداریم همه توو خالیند شکم دارند از شکم بیرون آمدند شکم دارند خب این نیازه به شکم پر کن داره دنبال کسانی می‌رود پس دنبال صمد باید بره صمد در عالم ذات اقدس اوست امام علی علیه السلام فرمود این اللهُ الصَّمد که میگیم این الف لام از صمد به مرتبۀ ربوبیت خدا الوهیت غیب الربوبی خداست ولذا در درک بشر نمی‌گنجد با حواس انسان ادراک نمی‌شود موقع گفتن اللهُ الصَّمَد هاء الله می‌خورد به صاد صمد اون الف لام تلفظ نمی‌شود اللهُ الصَّمد که میگیم هاء می‌خورد به صمد اون الف لام تلفظ نمیشه نه با زبان گفته میشه نه با گوش شنیده می‌شود فقط در نوشتن دیده میشه می‌نویسیم الصَّمَد پنج حرفه در نوشتن در گفتن سه حرفه صاد میم دال سه حرفه در گفتن در نوشتن پنج حرفه ذات اقدس حق ربوبیتش الوهیتش در ادراک بشر نمی‌گنجد اما آثارش در همه جای عالمه کل ذات اقدس او در ادراک بشر نمی‌گنجد اما آثارش هر جا نگاه کنیم آثار ربوبیت اوست خود انسان را می‌بینید که روح انسان آدم خودش درک نمی‌کند خود روح انسان روح را احساس نمی‌کنیم که آیا دیدنیه روح شنیدنیه؟آثارش هست دیدن شنیدن و گفتن راه رفتن آثار همینه.خود روح ناپیداست آثارش پیداست الف لام از صمد در شنیدن و گفتن ناپیداست اما در نوشتن پیداست ذات اقدس او ناپیداست اما آثارش در عالم پیداست او صمده

 ما همه شیران ولی شیر علم حمله شان از باد باشد دم بدم

ما همه قدرتمندیم همه چیز داریم شیر علم ما شیر اون پرچم هستیم پرچم سابق بود یه خورشید توش عکس می‌کشیدند یه شمشیر هم دستش بود وقتی باد می‌وزید این جلو و عقب می‌رفت و حمله می‌کرد شیر نبود نقش شیر بود باد او را حرکت می‌داد ما هم اینجوریم ما همه شیران ولی شیر علم ما شیر علمیم از خود نداریم چیزی

 حمله شان پیداست و ناپیداست باد آنک ناپیداست هرگز گم مباد

پس کی وادار کرده ما را حرف بزنیم کار می‌کنیم چون حمله مان پیداست و ناپیداست باد. یَا ابن ادم تَفَرَّغ لِعِبَادَتی[[43]](#footnote-43)1 ای آدمیزاد با من باش برای عبادت من خودتو فارغ کن مطمئن باش من می‌چرخانم تو را به کارت هم واگذارت نمی‌کنم لا أَکِلْکَ إِلَی طَلَبِک به کارت واگذار می‌کنم کار بکن ولی کار را روزی رسان ندان من روزی رسانم اگر با من بودی تو را اداره می‌کنم با اینکه کار هم داشتی باشی گاهی از اوقات وقتی اشخاص دیده می‌شوند که کار درستی هم ندارند حسابی پول درآور باشه ولی فارغ خیلی خوب زندگی می‌کند مُرفّه زندگی می‌کند آسایش دارد از اون طرف افرادی هستند که خیلی کار دارند چند پست حساس دارند ولی زندگی ندارند آسایش ندارند اینها اون کسانی هستند که به کارشان خدا واگذار کرده خدا نکند آدم به کارش واگذار کنه از کار چیزی بر نمیاد به خودش واگذار شد خودش درست می‌کند با او که شد خودش کار را درست می‌کند مِن حَیثُ لَا یَحتَسِب بهش می‌رسد مَن یَتَّقِ اللهَ یَجعَل لَهُ مَخرَجاً\* وَ یَرزُقهُ مِن حَیثُ لَا یَحتَسِب[[44]](#footnote-44)1 از جایی که هیچ احتمال نمی‌دهد بهش می‌رسد اما نگفتن بیکار بماند نه کار بکند اما کار را روزی رسان نداند روزی رسان من هستم ولذا اگر با من باشی لا أَکِلْکَ إِلَی طَلَبِک تو را به طلبت واگذار نمی‌کنم خودم اداره می‌کنم و می‌چرخانم این هم معنای صمد در اینجا بهرحال مولای ما وصیتی دارد فرمود که فَالله الله مَعْشَرَ العِباد[[45]](#footnote-45)2 خدا را در نظر بگیرید ای گروه بندگان أَنتُم سَالِمُونَ فِی الصِّحّةِ قَبلَ السُّقم تا سالم هستید بیمار نشدید به کار خودتان برسید آخرت را آباد کنید مَعْشَرَ العِباد ای گروه بندگان َنتُم سَالِمُونَ فِی الصِّحّةِ قَبلَ السُّقم و فِی الفُسحَةِ قَبلَ الضِّیقِ تا به تنگنای قبر نیفتادید الان وسعت دارید کار می‌کنید از این وسعت استفاده کنید به تنگنای قبر می‌افتید دیگه هیچ کاری نمی‌توانید بکنید فَعمَلُوا وَ العَمَلُ یُرفَع[[46]](#footnote-46)3 عمل که کردید عمل شما را بالا می‌برند توبۀ شما را قبول می‌کنند دعای شما را می‌شنوند فعلا فرصت باقیه ولی یک وقت می‌رسد که دیگه تعطیله نه دعا را می‌شنوند نه عمل بالا می‎برند وَ الحَالُ هَادِئَةٌ وَ الأقلَامُ جَارِیَةٌ وَ بَادِرُوا بِالأعمَالِ فورا سبقت کنید اعمال انجام بدهید یا پیر خواهید شد عاجز یا مرضی شما را از فعالیت باز می‌دارد یا سکته می‌کنید ناگهانی مرگ ناگهانی زود می‌رسد یا پیر می‌شود و کاری ازش بر نمیاد یا بیمار میشه ولذا فرمود که عُمُراً نَاکِساً أَو مَرَضاً حَابِساً أَوْ مَوتاً خَالِساً یا اینکه پیری سراغتان میاد یا بیماری یا مرگ ناگهانی. عِبَادَ الله وَ بَادِرُوا آجَالَکُم بِأَعمالِکُم دلسوزانه موعظه می‌کنند ما را میگن اونی که برای شما می‌ماند بخرید با اونی که فانی می‌شود اون فانی را بدهید باقی را بخرید قیامت باقیه برای شما خواهد ماند این دنیا فانیه حتما خواهد رفت پس شما باقی را با فانی معامله کنید عقلایی نیست که باقی از دست دادنیه فانی گرفتنیه وَ ابتَاعُوا مَا یَبقَی لَکُم بِمَا یَزُولُ عَنکُم [[47]](#footnote-47)4 بخرید آخرتی که برایتان می‌ماند با دنیایی که به این زودی از دست شما خواهد رفت وَ کُونُوا قَوماً صِیحَ بِهِم مانند مردمی باشید که خواب بودند کسی فریاد کشید بیدار شدند.حالا الان شما خوابید فریاد می‌کشند بیدار بشوید حرکت کنید. وَ کُونُوا قَوماً صِیحَ بِهِم فَانْتَبَهُوا وَ عَلِمُوا أَنَّ الدُّنیَا لَیسَت لَهُم بِدَارٍ فهمیدند که دنیا خانۀ باقی براشان نیست فَاسْتَبدَلُوا ولذا دادند فانی را باقی را خریدند بدانید که خداوند شما را عبث خلق نکرده لَم یَخلُقْکُم عَبَثاً وَ لَم یَترُکْکُم سُدیً فَتَزَوَّدوا فی الدنیا من الدنیا تا زنده اید از این دنیا بهرۀ خود را بردارید.بعضی توفیق خدا نصیب کسانی می‌شود که تکان می‌خورند از اسمعی که از ادباء معروفه در بیان می‌رفتم به مرد اعرابی رسیدم شتر سوار رسید به من گفت که از کجا آمده ای؟ گفتم از شهری که اونجا قرآن خوانده می‌شود کلام خدا خوانده می‌شود گفت که از اون سراغ داری کلماتی را برای من بخوانی؟گفت بله شروع کردم سورۀ ذاریات را خواندم تا رسیدم به این آیه وَ فِی السَّمَاءِ رِزقُکُم وَ مَا تُوعَدُونَ [[48]](#footnote-48)5 خدا میگه که رزق شما در آسمانه رزق شما داخل قوم شما نیست در زمین هم نیست وَ فِی السَّمَاءِ رِزقُکُم وَ مَا تُوعَدُونَ این آیه را که خواندم این تنبهی پیدا کرد گاهی یک آیه خوانده می‌شود و یک تنبهی در انسان پیدا میشه گفت که اینو دوباره بگو وَ فِی السَّمَاءِ رِزقُکُم گفت این کلام خداست؟گفتم بله این فهمید کلام خداست از روی شتر پیاده شد شترش را نهر کرد یعنی کشت و تقسیم کرد این گوشت را میان رهگذرها و شمشیر دستش بود شکست و به راه افتاد.تعجب کردم این که این آیه در او چه اثری گذاشته من نگفتم شما اینجور باشی ولی بعضی اوقات اثر گذاری میشه رفت موسم حج رسید من رفتم مکه در طواف بودم شنیدم کسی با صدای ضعیف مرا صدا میکنه رفتم دیدم مردی است خیلی لاغر و ضعیف.به من گفت مرا می‌شناسی؟گفتم تو همان عرب توو بیابان نیستی با هم برخورد داشتیم؟گفت من همانم. اون آیه که خواندی تکانم داد وَ فِی السَّمَاءِ رِزقُکُم وَ مَا تُوعَدُونَ رزق من در آسمانه تا او نخواهد من به جایی نمی‎رسم کار خوبی نبوده حالا شتر بکشه و اینها ولی خب این اثر برای اینکه بداند خدا روزی رسان است فرمودند که او روزی مرا می‌رساند پس نیازی به این شتر هم ندارم ولی کشتم و آمده ام اینجا در زیر خانه اش افتاده ام بعد دوباره اون آیۀ بعد هم بخوان من هم خواندم فَوَ رَبِّ السَّمَاءِ وَ الأرضِ إنَّهُ لَحَقٌّ مِثلَ مَا أَنَّکُم تَنطِقُونَ [[49]](#footnote-49)1 قسم به خدای آسمان و زمین حق است یعنی خدا روزی رسان هست قسم به خدای آسمان و زمین حقه گفتم شما حرف می‌زنید یقین دارند حرف می‌زنند دیگه در این که شکی ندارید که بدانید که خدا روزی رسان است حقه این فهمید ناله ای کشید و بعد همینو تکرار می‌کرد عجب بندگان خدا اطمینان نکردند به حرف او قسم خورده ولذا قسم به خدای آسمان و زمین که حقه راست میگن روزی شما بعدۀ من هست و حتما خواهد رسید این را گفت و سه بار تکرار کرد و در همانجا جان سپرد عجیبه دعایی از قرآن چنان تکانش می‌دهد که به کلی واقعا مطمئن بشود که خدا روزی رسان اوست منتهی ما اطمینان نداریم دیگه غالبا روزی تردید ایجاد می‌کند در ما.غالبا با نگرانی زندگی می‌کنیم نکند روزی ما نرسد چون در دعا داریم امام سجاد می‌فرمایند که اللهُمَّ إنَّکَ ابتَلَیتَنَا فِی أرزَاقِنَا بِسوءِ الظَّنَّ [[50]](#footnote-50)2 خدایا ما را مبتلا کردی در دنیا مورد امتحان قرار دادی سوء ظن در ما پیدا شده راجع به رزقمان غالبا اینجوریه دیگه مردمی که انقدر حلال و حرام رعایت نمی‌کنند علی الدوام حرص می‌زنند سوء ظن دارند نسبت به خدا.باورشان نشده است که خدا وعده کرده و روزی خواهد رسید از راه حلالی که داره شما دنبال کار بروید و طبق دستور شرعتان حلال و حرام را رعایت بکنید مطمئن باشید که من که مقدر کردم عمر شما را مقدر کردم رزق شما را فَوَ رَبِّ السَّمَاءِ وَ الأرضِ إنَّهُ لَحَقٌّ قسم خورده به خدای آسمان و زمین که راست گفتم این را که فِی السَّمَاءِ رِزقُکُم روزی شما در دست من هست منتها در مسیری که معین کرده اند حرکت کنید در اون مسیر و دنبالش هم روزی خدا خواهد رسید یکی از بزرگترین مشکلاتی که در دنیای ما هست همینه نسبت به خود مسلمانها نه کفار مسلمانها چقدر نسبت به خدا سوء ظن دارن راجع به رزقشان.علی الدوام حرص می‌زنند انباشته می‌کنند نمی‌خورند بیش از اون هم ولی در عین حال خودشان را آلوده می‌کنند به حرام.خدا گفته شما طبق دستور من حرکت کنید مطمئن باشید قسم خورده رزق شما بدست منه فَوَ رَبِّ السَّمَاءِ وَ الأرضِ إنَّهُ لَحَقٌّ مِثلَ مَا أَنَّکُم تَنطِقُونَ از خداوند می‌خواهیم خدا به همۀ ما ایمان کامل عنایت کند یعنی واقعا باورمان بشود هم خدا هم آخرت هر دو توو ما یه قدری دچار تردید شده هم خدا هم آخرت این هر دو مسلم باورمان بشود زندگی زود گذر ما هم به همین زودی تمام می‌شود و دم مرگ که می‌رسیم تهی دست خواهیم بود.یعنی باورمان نشده خدا و آخرت با شک و تردید زندگی کردیم و در نتیجه اون ناملایماتی که بعد از مرگ هست حالا باز هم تشکر می‌کنیم از برادر بزرگوارمان حضرت آقای نوروزی که تحمل زحمت فرموده اند در این چند هفته ای که جناب آقای دزفولی مشرفند در مکه ایشان افاضه می‌فرمایند ما هم بهره مند می‌شویم از افاضاتشان.حالا دعا می‌کنیم که در این ایام حج کسانی که مشرف هستند حجاج بیت محرم خداوند همه شان را به سلامت نگه دارد و با حج مقبول و سعی مشکور به همۀ اونها را به اوطانشان برگرداند ان شاء الله و ما هم مشمول دعاهاشان باشیم ان شاء الله

پروردگارا به حرمت امام زمان در فرجش تعجیل بفرما

گناهان ما را بیامرز

توفیق عبادت با خلوص نیت به ما عنایت بفرما

توفیق توبۀ کامل به ما عنایت بفرما

حسن عاقبت به همۀ ما کرم بفرما

رحم الله من قرء الفاتحة مع الصلوات

1. .سورۀ آل عمران، آیۀ 191 [↑](#footnote-ref-1)
2. . سورۀ سبأ، آیۀ 13 [↑](#footnote-ref-2)
3. . سورۀ فرقان، آیۀ 44 [↑](#footnote-ref-3)
4. . همان [↑](#footnote-ref-4)
5. . سورۀ روم، آیۀ 7 [↑](#footnote-ref-5)
6. . سورۀ نجم، آیۀ 29 [↑](#footnote-ref-6)
7. 1 . سورۀ نجم، آیۀ 29 [↑](#footnote-ref-7)
8. 2. سورۀ نجم، آیۀ 30 [↑](#footnote-ref-8)
9. 3.دعای شب پانزدهم ماه رمضان [↑](#footnote-ref-9)
10. 4. سورۀ رعد، آیۀ 20 [↑](#footnote-ref-10)
11. 5.همان [↑](#footnote-ref-11)
12. 6. سورۀ رعد، آیۀ 25 [↑](#footnote-ref-12)
13. همان [↑](#footnote-ref-13)
14. 1. سورۀ رعد، آیۀ 25 [↑](#footnote-ref-14)
15. 2. سورۀ انعام، آیۀ 108 [↑](#footnote-ref-15)
16. 3. نهج البلاغه، خطبه 206 [↑](#footnote-ref-16)
17. 4. سورۀ هود، آیۀ 18 [↑](#footnote-ref-17)
18. 5. سورۀ بقره، آیۀ 159 [↑](#footnote-ref-18)
19. 1.سورۀ عنکبوت، آیۀ 62 [↑](#footnote-ref-19)
20. 2. سورۀ زخرف، آیۀ 32 [↑](#footnote-ref-20)
21. 3. سورۀ طلاق، آیۀ 3 [↑](#footnote-ref-21)
22. 4. سورۀ واقعه، آیۀ 63 [↑](#footnote-ref-22)
23. 5. سورۀ واقعه، آیۀ 63 و 64 [↑](#footnote-ref-23)
24. 1. سورۀ واقعه، آیۀ 63 الی 65 [↑](#footnote-ref-24)
25. 2. سورۀ واقعه، آیۀ 68 [↑](#footnote-ref-25)
26. 3. سورۀ واقعه، آیۀ 69 و 70 [↑](#footnote-ref-26)
27. 4. سورۀ ملک، آیۀ 30 [↑](#footnote-ref-27)
28. 5. سورۀ ملک، آیۀ 16 [↑](#footnote-ref-28)
29. 6. بحار الانوار، ج 67، ص 68 [↑](#footnote-ref-29)
30. 7. جامع الاخبار، ص 1079 [↑](#footnote-ref-30)
31. 8. تحف العقول، ج 1، ص 37 [↑](#footnote-ref-31)
32. 9.إرشاد القلوب، ص 203 [↑](#footnote-ref-32)
33. 1. الکافی، ج 5، ص 78 [↑](#footnote-ref-33)
34. 2. لکافی، ج 5، ص 85 [↑](#footnote-ref-34)
35. 3. شرح نهج البلاغه، ج 17، ص 146 [↑](#footnote-ref-35)
36. 4.بحار الانوار، ج 47، ص 232 [↑](#footnote-ref-36)
37. 5. سورۀ هود، آیۀ 6 [↑](#footnote-ref-37)
38. 6. سورۀ نور، آیۀ 37 [↑](#footnote-ref-38)
39. 7. مستدرک الوسائل، ج 12، ص 48 [↑](#footnote-ref-39)
40. 1. نهج البلاغه، نامه 27 [↑](#footnote-ref-40)
41. 2. الکافی، ج2، ص 83 [↑](#footnote-ref-41)
42. 3.سورۀ بقره، آیۀ 273 [↑](#footnote-ref-42)
43. 1. الکافی، ج2، ص 83 [↑](#footnote-ref-43)
44. 1. سورۀ طلاق، آیات 2 و 3 [↑](#footnote-ref-44)
45. 2.نهج البلاغه، خطبه 183 [↑](#footnote-ref-45)
46. 3. نهج البلاغه، خطبه 230 [↑](#footnote-ref-46)
47. 4. نهج البلاغه، خطبه 64 [↑](#footnote-ref-47)
48. 5. سورۀ ذاریات، آیۀ 22 [↑](#footnote-ref-48)
49. 1.سورۀ ذاریات، آیۀ 23 [↑](#footnote-ref-49)
50. 2. صحیفۀ سجادیه، دعای 29 [↑](#footnote-ref-50)